

واکاوی مشاوره‌ای خودارضایی دختران و توانمندسازی تربیتی مادران از منظر الگوی تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر رشد

سید محسن اصغری نکاح^{۱*}، زهرا مهاجر بعد^۲

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران.

asghari-n@um.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

چکیده

خودارضایی نوعی تحریک مکانیکی در دستگاه تناسلی و چاره‌جویی برای مشکلات جنسی نظیر خودارضایی یکی از چالش‌های پیش‌روی تربیت جنسی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک فرزندپروری و نقش تربیتی مادران در انجام رفتار خودارضایی نوجوانان انجام شد. این مطالعه به صورت کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، با ۴ دختر نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله که حداقل در یکسال گذشته خودارضایی داشته‌اند، در کلینیک روان‌شناسی در مشهد انجام شد. یافته‌های این مطالعه ۳ مقوله اصلی و ۱۹ مقوله فرعی را در پاسخ به سؤال عوامل بروز رفتار خودارضایی نشان داد که به ترتیب اولویت شامل عوامل ارتباطی خانوادگی، عوامل روان‌شناختی و عوامل اجتماعی می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عدم مهارت‌های فرزندپروری مادران و عدم آگاهی از راهبردهای صحیح تربیت جنسی در انجام رفتار خودارضایی در نوجوانان مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری، تربیت جنسی، خودارضایی، الگوی تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر رشد.

مقدمه

خودارضایی پدیده مجادله‌آمیزی است که تبیین‌های متفاوتی در خصوص آسیب‌زا یا انحرافی بودن یا نبودن آن وجود دارد، لیکن از منظر فلسفه وجودی طبیعی، ارگان‌های جنسی و غایت تربیت جنسی خانواده‌محور و همسو با آموزه‌های ادیان ابراهیمی، خودارضایی رفتاری آسیب‌زا و تهدیدکننده زیست جنسی زناشویی برای بهره‌مندی جنسی طبیعی در بستر نقش‌های همسری همراه با سلامت، باروری و فرزندآوری می‌باشد (اصغری نکاح، ۱۳۹۷) و یکی از چالش‌های تربیت جنسی در خانواده‌ها، پیشگیری از انحرافات جنسی است (فلاحی خشک‌ناب، ۱۳۷۳). از طرفی آنچه مسلم است آمار دقیقی از خودارضایی در دست نیست و فارغ از این که به نظر می‌رسد از حیث فراوانی خودارضایی در دختران، آمار نگران‌کننده‌ای نخواهد داشت، اما از بعد تربیت جنسی نوجوانان، هر نوع ایجاد مخاطره در زیست جنسی مطلوب و هر میزان انحراف از مسیر زناشویی طبیعی در آینده، به خودی خود یک مسأله تربیتی و نیازمند توجه جدی است، بدین لحاظ هدف بررسی حاضر، بازشناسی و ارزیابی راهکارهای تربیتی و مشاوره‌ای در مواجهه تربیتی کارآمد با پدیده خودارضایی دختران است. تربیت جنسی محدود به خانواده نیست، لکن بدیهی است که والدین و بخصوص مادران بواسطه حضور حداکثری در فرایند رشد فرزندان و همراهی آن‌ها در هنگامه‌ها و بحران‌های مختلف رشدی، از بیشترین مسئولیت و فرصت برای ایفای نقش ویژه در تربیت جنسی برخوردار هستند (اصغری نکاح، ۱۳۹۷).

خودارضایی یکی از رخداد‌های عادت‌ی چالش‌انگیز است که در هنگامه بلوغ در برخی دختران به صورت عادت به خود لذت‌جویی جنسی تجربه می‌شود. خودارضایی از جهتی، مسئله‌ای مربوط به مباحث رشدی دوره بلوغ است و از جهتی دیگر، مسئله‌ای وابسته به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی نیز می‌باشد، تأمل در طبیعت انسان، نشان می‌دهد که نیاز جنسی یک نیاز تعاملی است و تنها نیازی است که در زن و مرد ارگان‌های متفاوت و مکمل زنانه مردانه داشته و ماهیت و فلسفه نیاز جنسی حکایت از یک رفتار تعاملی دارد که هر چند برای افراد

لذت و تنش‌زدایی فردی به همراه دارد، اما با تحکیم تعلق عاطفی و زناشویی، زمینه باروری و بقای نسل را فراهم می‌آورد و بدین لحاظ خودارضایی به عنوان یک رفتار جنسی متمرکز بر فرد، بدون تعامل جنسی با جنس مکمل، و رفتاری سوق دهنده به لذت‌جویی فردی مغایر با ماهیت و غایت نیاز جنسی، نوعی انحراف محسوب می‌شود و عادت به آن زمینه‌ساز آسیب‌های دیگر است. شاید به همین دلایل - و سایر استدلال‌ها - خودارضایی مورد تحریم ادیان بوده است. در ادیان ابراهیمی به صورت عام و در دیدگاه و استدلال اسلامی به طور خاص به پدیده‌های انسانی، همراه فطرت، فضیلت و تعقل ارزش‌گذاری می‌شود، لذا خودارضایی در فرهنگ اسلامی، حرام و انحراف جنسی است (بسط و گسترش این موضوع خود مجال دیگری می‌طلبد) (اصغری نکاح، ۱۳۹۷-ب) و لذا لازم است با پرهیز از رفتارهای غیر تربیتی و آسیب‌زا، با متانت و شیوه‌های مثبت و سازنده به خانواده‌ها و به خصوص به مادران و نوجوانان، جهت پیشگیری و حذف خودارضایی، خدمات تخصصی ارائه شود. پژوهش‌های ایرانی نشان داده‌اند که رفتار خودارضایی در دوره نوجوانی با وسواس و افکار مزاحم استرس‌زا (مرعشی، ۱۳۹۵)، اضطراب و حوادث استرس‌زا (عسکری، ۱۳۹۳) و تکانش‌گری و وسواس - بی‌اختیاری (مرعشی و محرابیان، ۱۳۹۵) و مشکلات اضطرابی و مشکلات میان فردی و اختلال در تعاملات نوجوان و خانواده در دوران نوجوانی ارتباط معنادار دارد (اصغری نکاح و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی بر اساس پژوهش‌های خانواده‌های ایرانی، شیوه‌های فرزندپروری نیز با اضطراب اجتماعی و هراس اجتماعی فرزندان ارتباط دارد (قاسمی پور کردمحل و بزازیان، ۱۳۹۱). از میان سه سبک فرزندپروری بامریند، میزان اضطراب نوجوانانی که والدینشان از سبک استبدادی برای تربیت آنان بهره می‌گیرند، بیشتر از سبک منطقی و آسان‌گیر است (یعقوبی راد، ۱۳۹۵) و اضطراب فرزندان به طور معنادار، بر اساس شیوه‌های فرزند پروری والدین قابل پیش‌بینی است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). هر چند در بسیاری از جوامع، کارکردها و انسجام خانواده دچار تحلیل و آسیب شده است، در این میان از آنجا که خانواده در فرهنگ اسلامی ایرانی هنوز از کارکردهای ویژه تربیتی برخوردار است، مادران در همه فرهنگ‌ها و در همه ابعاد تربیت، از جمله تربیت جنسی، مرکز ثقل خانواده هستند؛ بخصوص اینکه مادران با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی مربوط به زنان و حضور بیشتر در کنار خانواده، به‌عنوان یک عنصر تربیتی تأثیرگذار شناخته می‌شوند. بر اساس نتایج مطالعات انجام‌شده، سبک‌های فرزندپروری یکی از عوامل زمینه‌ای و ایجاد اضطراب در بین نوجوانان محسوب می‌شود و از طرف دیگر تأثیر عواملی مانند اضطراب و احساس خودکارآمدی فرد در مدیریت، چگونگی استفاده و بروز میل جنسی (دارائی و علی بیگی، ۱۳۹۸) و با توجه به ارتباط معنادار انجام رفتار خودارضایی با اضطراب افراد، هدف از پژوهش حاضر، شناخت و دریافت نقش تعاملات تربیتی و سبک فرزندپروری مادران در نوجوانان درگیر خودارضایی و ارائه راهکارهای تربیتی و بهبود بخش پیشگیرانه یا حذف کاهش خودارضایی نوجوانان در بستر فرهنگ اسلامی ایرانی است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این مطالعه به صورت کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق و در فرایند مشاوره‌های انفرادی انجام شد. از آنجا که در این پژوهش‌ها فهم مسئله اولویت بوده و تعمیم‌پذیری آماری مدنظر نبوده، شرکت‌کنندگان عبارت بودند از دختران نوجوان دارای تجربه درگیری با خودارضایی که از بین داوطلبان کلینیک مشاوره دعوت به پژوهش شدند و تا حد اشباع مورد بررسی قرار گرفتند؛ یعنی تا جایی که اطلاعات جدید به توصیف بیشتر مفهوم جدید نینجامید و طبقه‌بندی ایجاد نشد و در نهایت مصاحبه با ۴ دختر نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله (دو دختر ۱۴ ساله و یک دختر ۱۶ و ۱۷ ساله)، که حداقل در یک سال گذشته به انجام رفتار خودارضایی مبادرت ورزیده‌اند، در

کلینیک مشاوره و روان‌شناسی در شهر مشهد، در طول سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ و در فاصله زمانی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. روش تحلیل موضوعی برای گزارش داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های این مطالعه ۳ مقوله اصلی و ۱۹ مقوله فرعی را در پاسخ به سؤال عوامل بروز رفتار خودارضایی نشان داد که به ترتیب اولویت شامل عوامل ارتباطی-خانوادگی (نظیر چالش‌های ارتباطی با والدین، استرس‌ورهای خانوادگی، ارتباطات نامحدود با جنس مخالف)، عوامل روان‌شناختی (مانند اعتیاد به پورنوگرافی، آسیب‌دیدگی در فضای مجازی، تخیلات جنسی و باورهای نادرست در مورد خودارضایی) و عوامل اجتماعی (نظیر محیط اجتماعی آسیب‌رسان، سطح تحصیلات و رفاه مادی) می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که مرور شد خودارضایی یک رفتار جنسی چالش‌انگیز و از جهاتی مغایر با ماهیت و غایت طبیعی نیاز جنسی در زن و مرد است، هرچند ممکن است در نوجوانی بطور خودکامی بروز پیدا کند، لیکن تبدیل شدن آن به عادت و بخصوص ترویج آن یک مخاطره تربیتی جدی و از بعد رفتار جنسی زناشویی طبیعی نیز، زمینه ساز فاصله گرفتن از بهره‌مندی زوجی و تمرکز بر لذت جویی بدلی است، بدین جهت فارغ از فراوانی آن از حیث تربیت جنسی خانواده محور و مبتنی بر رشد، خودارضایی نیازمند واکاوی و چاره جویی تربیتی است و در همین زمینه نتایج پژوهش حاضر نشان داد که علاوه بر محرک‌های رسانه‌ای، ناپختگی و عدم مهارت‌های فرزندپروری در مادران، عدم ارتباط‌گیری هیجان‌انگیز مادر-دختری، و عدم برخورداری از آگاهی و مهارت تربیت جنسی لازم در نظارت به هنگام مثبت و مدیریت رسانه‌ای دختران، باعث بروز چالش در رابطه والد-نوجوان شده و از عوامل زمینه‌ساز استرس‌زا و خودارضایی دختران محسوب می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های چوبفروش، سعیدمنش و گلیمی (۱۳۹۸)، پناهی (۱۳۸۶)، دارائی و علی بیگی (۱۳۹۸) و شارما (۲۰۰۷) همسو بود. مادران در همه فرهنگ‌ها و در همه ابعاد تربیت، از جمله تربیت جنسی، مرکز ثقل خانواده‌اند، بدین جهت توانمندسازی مادران برای تربیت جنسی با الگوی تربیت جنسی خانواده محور برگرفته از مبانی علمی در چهارچوب وسیع و غنی آموزه‌های دینی و فرهنگی یک راهکار اصلی است که در قالب برنامه‌های آموزش خانواده در مدارس، رسانه ملی، کلینیک‌های مشاوره محقق شود، برنامه‌ای که رؤس آن بر غنی‌سازی روابط مادر-نوجوان، پذیرش و سرمایه‌گذاری مثبت بر دختران نوجوان در خانواده و مدرسه، آگاه‌سازی نوجوان از عوامل آسیب‌زای جنسی، تسهیل دیالوگ‌های مادر-دختری در مورد بلوغ مبتنی بر فرهنگ، تقویت خودتنظیمی هیجانی-شناختی و بخصوص ارتقاء معنوی و هدفمندی زندگی در نوجوان با همراهی مادران رؤس برنامه‌های پیشگیری و سلامت و مداخلات آموزشی-مشاوره‌ای تربیت جنسی تنظیم شود.

منابع

- اصغری نکاح، سید محسن. (۱۳۹۷). مرور توصیفی انتقادی: خودارضایی در نوجوانان، پیامدها و راهبردهای درمانی. پنجمین کنفرانس ملی نوآوری‌های اخیر در روان‌درمانی.
- اصغری نکاح، سید محسن. (۱۳۹۷). الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد: راهکاری برای تربیت جنسی متناسب با آموزه‌های تربیتی ادیان ابراهیمی. چکیده مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی تربیت دینی در ادیان ابراهیمی.

- پناهی، علی. (۱۳۸۶). مهم‌ترین آسیب جنسی در دوران نوجوانی و پیشگیری و درمان، ماهنامه معرفت، ۱۶(۱)، ۵۸-۶۳.
- چوبفروش، آزاده؛ سعیدمنش، محسن و گلیمی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت خود بر مؤلفه های حرمت خود نوجوانان دارای رفتار خودارضایی وسواسی. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۹(۲۶)، ۵-۱.
- دارائی، اصغر و علی بیگی، ندا. (۱۳۹۸). بررسی باورهای رایج نوجوانان در رابطه با خودارضایی. پنجمین کنفرانس ملی نوآوری های اخیر در روانشناسی، کاربردها و توانمندسازی با محوریت روان‌درمانی، تهران، دانشگاه شمس گنبد و با حمایت انجمن ها و گروههای آموزشی دانشگاههای کشور.
- رضایی، زهرا؛ مرکوبی، زهرا و کدخدا، حسین. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط سبک‌های فرزند پروری والدین با اضطراب کودکان، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان.
- فلاحی خشکناپ، مسعود. (۱۳۷۴). نقش خانواده در تربیت جنسی کودکان در اسلام. ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت: تربیت دینی کودکان و نوجوانان، وزارت آموزش و پرورش.
- قاسمی پور کرد محله، معصومه و بزازیان، سعیده. (۱۳۹۲). رابطه سبک های فرزندپروری والدین و کمال گرایی با اضطراب اجتماعی دانش آموزان تیزهوش. *مجله علوم رفتاری*، ۱۵(۱۴)، ۱۱۴-۱۰۱.
- عسکری عباس آبادی، مانیا. (۱۳۹۳). بررسی فراوانی نسبی و عوامل مرتبط با خودارضایی در کودکان ۶ ماهه تا ۱۲ ساله مراجعه کننده به کلینیک های تخصصی اطفال و روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده علی ابن ابیطالب (ع).
- مرعشی، علی. (۱۳۹۵). نقد حذف خودارضایی و هم جنس گرایی از فهرست اختلالات جنسی در DSM. دو فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات تحول در علوم انسانی، ۴(۷)، ۲۷-۸.
- مرعشی، علی و محرابیان، طاهره. (۱۳۹۵). بررسی همبستگی وسواس - بی‌اختیاری، تکانش گری، سلامت معنوی و عزت نفس با خودارضایی جنسی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۱۶(۵)، ۱۱۳۸-۱۱۵۲.
- یعقوبی راد، فرزانه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان شیوه‌های فرزند پروری والدین و میزان اضطراب دانش آموزان. فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۱(۱)، ۱۱۱-۱۲۸.
- Sharma, V. & Sharma, A. (2007). The guilt and pleasure of masturbation: A study of college girls in Gujarat, India. *Sexual and Marital Therapy*, 13(1), 63-70.